

بسمه تعالی

السلام علی الحسنین وعلی ابن الحسنین وعلی اولاد الحسنین وعلی اصحاب الحسنین

علمای اخلاق برای کسب فضایل اخلاقی و تهذیب و تزکیه نفس دورا هکار بیان کردند: یک راهکار عمومی و دور راهکارهایی نسبت به فضایل خاص، مانند رسیدن به فضایی چون سخاوت و پاکی نفس و پاکی دل.

علمای ربانی معمولاً از راهکارهای عمومی استفاده می کنند که مهمترین آن بحث توحید و اعتقاد جاذب و ایمان کامل به همه مراحل توحید اخلاقی و ذاتی در دل می باشد؛ فضایل خوب در پی آن خود به خود شکوفایی می شود و ذایل هر که خود به خود به فعالیت می رسد به وسیله توحید پیشگیری می شود.

در آیه مربوطه به "و بشر الصابرين" صابرين واژه ای است که شامل همه فضایل می شود، مثلاً در مورد خشم و غضب اعمالی به نام حلو و غیظ ظهور پیدا می کند.

صابرين کسانی هستند که وقتی مشکلات به آنان روی می آورد به جای جزع و فزع عقیده اعتقادی خود که "انا لله" مال خدا هستی و همه عالم برای خداست در رفتارشان آشکار و نمایان می شود و در قرآن و ادعیه تکرار شده که خواندن این آیات تبدیل به ایمان می شود؛ که براسق خداوند در مملوک خود هر تصرفی کند به صلاح اوست. بنده نیز رضایت به رضای خدای دهد چون هر آنچه پیش آید را از دوست می بیند راضی به آن است.

هنگامی که علی اصغر روی دستان سید الشهداء شهید می شوند با وجود عاطفه پدری، که قوی می باشد با آن شرایط روی دست پدر پویال می زند، امام حسین با موضوع توحید خود را آرامش می دهد چرا که علی اصغر را او به من داد و خودش هر از من گرفت هر چند در مصیبت های دیگر هم ایشان گریه کردند اما گریه شان از روی عاطفه بوده و منافاتی با رضا عا عن بلائک ندارد.

اساتید اخلاق در بحث تربیت نفس و سیر و سلوک شاگردان خود از دو طریق بهره برده اند: یکی با بیان آیات و روایات و دوم با توحید فعالی و توحید صفاتی و توحید ذاتی به مراقبه نفس از راه عبودیت.

اساتید اخلاق با ایمان شاگردانشان را به توحید قوی می کردند با جلسات اخلاقی و با اثر عمل و مراقبه و محاسبه نفس و رسیدگی به اعمال از راه عبودیت و بندگی که وظیفه ما و عوامل و فوایح ماست ایشان را پرورش می دادند مثل نمازهای واجب، حج که بعضی اعمال که سنگین است مثل نماز شب.

بنده کتابی دارم که آیات و روایات مربوط به نماز شب در آن جمع آوری شده است. اساتید اخلاق نقش بسزایی در ارائه راهکارهای نماز شب و اهل نماز شب شدن و بالا بردن توجه و کیفیت آن داشتند تا به مقامات برسند.

ذکر خدا انسان را به خدای رساند، رذایل اخلاقی بر اثر غفلت و فراموشی سر می زند.

از دیگر راه‌هایی که اساتید اخلاق وارد می‌شوند؛ خواندن حدیث معراج است که علامه طباطبائی در حدیث المیزان بیان فرمودند، حدیثی پر محتوا در معراج امام صادق (علیه السلام) در بعضی کتابها مرسله، فیض کاشانی و شیخ کافی در کتاب خود، مرحوم دیلمی در آخر کتاب ارشاد القلوب و استاد سعادت پرور در چهار جلد در مورد این حدیث بیان فرمودند: در معراج استاد ذات اقدس و شاگرد این کلاس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بودند. علامه طباطبائی و میرزا جواد تبریزی در کتاب و برای شاگردانشان بیان فرمودند: این که توحید در دل انسان بیاید (توحید ذاتی و صفاتی و افعالی) و از ذایل پاک و منزه شوند.

این حدیث محور سخن قرار می‌گیرد، رواق ابو محمد حسین دیلمی رحمه الله و علامه مجلسی دو سند برای این روایت بیان فرمودند: حضرت خاتم النبیین از حضرت حق سوال کردند کدام عمل افضل است که سریع‌تر به خداوند منتهی شود؟ خداوند فرمودند هیچ چیز بالاتر در نزد من از این که بنده بر من توکل کند و راضی به تقسیمات و قضا و قدر من شود، نیست.

اینکه ما اثبات کنیم خداوند در عالم همه کاره است و همه چیز را خلق می‌کند؛ بقیه موجودات با واسطه مخلوق خدا هستند معنای و کالت این است که موکل کارهای خود را به موکیل واگذار می‌کند، مثل آنچه در قانون افرادی را وکیل قرار می‌دهیم یا در احوال و کیلی از طرف طرفین عقد را می‌خواند.

حال در همه کارها و کیل موجودات خداوند است. وقتی عقیده به این پیدا کنیم (توحید افعالی) یعنی من در کارهایم خدا را همه کاره بدانم و من وسیله هستم؛ مثل داشتن فرزند یا پسر یا حتی چهره و صورت فرزندمان، مأموریم به بدست آوردن روزی از راه حلال، حتی در تعلیم و تعلم، ما معلمی داریم به نام خداوند و ما بقی واسطه هستیم.

در مورد متعالمین نیز فهم و ادراک و حافظه آنها بدست خداست، اللهم اگر منی به نور فهم. دیگر نه معلم و نه متعلم دچار غرور و کبر نمی‌شود چون همه کاره را خداوند می‌داند یا مردی که مالی یا رزقی برای خانواده بدست می‌آورد منتهی به خانواده نمی‌گذارد و مادر نیز منتهی بر فرزندان نمی‌گذارد چون خدا رب العالمین است و همه کارها اینگونه است بالاترین اعمال به گفته خداوند توکل بر خداست که جامع همه صفات است.

صبری که انسان پیدا می‌کند این صبر از خداست، خداوند لطف می‌کند چند فرزند شهید دارد و می‌گوید خودم هم حاضر به شهادت هستم؛ اینها صبر از خداوند آوردند حال که این فضیلت شهادت را عطا کرده، صبر را هر به او داده است.

این توحید افعالی در جمله لا حول و لا قوة الا بالله و یا به صورت کوتاه لا قوة الا بالله بیان شده است مرحوم آیت الله سعادت پرور در مقتلی در محرم می‌خواندند، چرا که امام حسین (علیه السلام) این جمله را یاد تکرار می‌کردند و ما به نظرمان می‌رسد حضرت از خداوند قوت می‌خواهد یا از دشمن می‌ترسد.

مرحوم امام خمینی (ره) با قسم بیان می‌کنند که زمانی که مرا از قهر به تهران بردند تا به قتل برسانند، اصلاً ترسیدم.

بحث این است که امام حسین (علیه السلام) توانایی خودشان را نشان می‌دهند مثل اصحاب و یاران ایشان که می‌جنگیدند و دشمن را به هلاکت می‌رسانند. امام حسین (علیه السلام) تنهایی شون با گرمی هوا با داغ شهیدان و تنها ماندن، اول موعظه و نصیحت کردند که موثر نشد؛ سپس سه پیش نهاد به عمر سعد دادند يك: تقاضای

آب دوم: برگشتن سوم: جنگ تن به تن

اما امام حسین در جنگ تن به تن هر کس از سپاه دشمن که به میدان می آمد را به هلاکت می رساندند، این بود که دشمن از هر طرف حمله ور شدند، چون احساس خطر کردند و دیدند که افرادشان را از دست می دهند تا جایی که حضرت تعداد زیادی از سپاه دشمن را به هلاکت رساندند و نزدیک شریعه فرات شدند.

در حین حملات که امام حسین شجاعت را نشان می دادند، می فرمودند لاقوه الا بالله یعنی ای حسین این توانایی و شجاعت از خودت نیست و از خداوند است. اینگونه امام حسین علیه السلام عزت و قوه را از خداوند می بیند و تمام صفات و کمالاتش را از خدا می داند. بعد از نماز صبح و مغرب هفت مرتبه و چند بار در روز، تکرار این ذکر بسیار تاکید شده است؛ رذایل اخلاقی را از انسان دور می کند.

جمله ای امام حسین علیه السلام در ذیل عرفه دارد که خوانده نمی شود و سید طاووس رحمته این را نقل کرده و مرحوم طباطبائی رحمته این جمله را به آیت الله سعادت پرور فرمودند که این عبارات به غیر از امام نمی آید و معانی بلندی دارد، جمله این است الهی انا جاهل فی علمی.... امام حسین علیه السلام در عین اینکه در ایام نامتناهی علم است می فرماید: جاهل است این علم مال من نیست مال خداست در زمانی که در غنا هستم باز هم این مال، مال خودم نیست من فقیرم.

آیت الله شیرازی در درس فلسفه فرمودند: نگویید ما فقیریم بگوید ما فقیریم، خداوند غنی به ذات است.

در آیه قرآن آمده است که به شیطان می گوید به بندگان من نمی توانی مسلط شوی وقتی توکل به خدا می کنی. تسلط از شیطان نیست، اول نماز قبل از تکبر و خواندن اعوذ بالله در نماز و نیز قبل از خواندن قرآن؛ وقتی انسان خودبین می شود در دام شیطان می افتد.

حضرت آیت الله مظاهری فرمودند: هر وقت بحث اخلاقی می کنید مصیبت بخوانید. در آخر درب خانه سیدالشهدا می رویم. حاجات را از امام حسین می خواهیم و که از راه حضرت سیدالشهدا به فضایل برسیم و پاک شویم. ان شاء الله